

موانع توسعه اقتصادی در ایران عصر قاجار: پژوهشی در تولید شکر در مازنداران

دکتر محمد علی کاظم بیگی *

چکیده

در ایران قرن نوزدهم در حالیکه مصرف شکر به شدت افزایش می‌یافت، در مازندران، علیرغم تأسیس کارخانه تصفیه شکر، تولید این فرآورده نه تنها توسعه نیافته باقی ماند بلکه تولید شکر به شیوه سنتی نیز کاهش یافت.

در پژوهش حاضر، عوامل بازدارنده توسعه صنعت شکر، کاشت و برداشت و تولید آن به شیوه سنتی در مازندران دوره قاجاریه بررسی شده است.

دستیابی به علوم جدید و توسعه از جمله اهدافی هستند که در دو سده اخیر در کشور مطرح شده و هرچند گاه یکبار بحث و سرمایه‌گذاری برای نیل به آنها شدت و ضعف یافته است. گرچه از دوره اول جنگهای ایران و روسیه (۱۲۱۸-۱۲۲۸ ه.ق / ۱۸۰۳-۱۸۱۳ م) که نخستین اقدام جدی برای انتقال علوم و فنون جدید به کشور به عمل آمد تاکنون سرمایه معنوی و مادی قابل توجهی در این راه صرف شده است، به علت موانع متعدد داخلی و خارجی، مملکت از نتیجه مطلوب بی‌نصیب مانده است و مشکل توسعه بطئی و وابسته‌گریانگیر آنست. مضافاً گرچه برخی از تلاشهای به عمل آمده نتایج منفی بیار آورده اند، تاریخهای رسمی و مطبوعات وقت، تنها به

ثبت مراسم آغاز بنا یا افتتاح مؤسسات جدید بسنده کرده و نتایج این سرمایه‌گزاریه‌ها را مسکوت گذاشته‌اند. احیاناً اگر بحثی پیرامون علل عدم توسعه و مشکلات به میان آورده باشند بیشتر به قصد توجیه وضع موجود و سرزنش دولتمردان سلف بوده است تا ریشه‌یابی و چاره‌جویی. بدین ترتیب مملکت نه تنها از سرمایه‌گزاریه‌ها کم بهره برده است بلکه از منطقی‌ترین دستاوردهای دو قرن مواجهه با معضل عدم توسعه، یعنی اطلاعات موثّق و مدوّن در باب موانع تاریخی توسعه و تأثیرات مؤسسات جدید در ساختار اقتصادی - اجتماعی سستی کشور نیز بی‌نصیب مانده است. احیاناً اگر تحقیقاتی هم در این زمینه به عمل آمده باشد، نتایج آن در دسترس مردم قرار نگرفته است. از اینرو نتایج پژوهش در علل و عوامل شکست و موفقیت اقداماتی که در گذشته برای انتقال فن آوری نوین به کشور به عمل آمده می‌تواند به عنوان "تذکار" در کنار الگوهای وارداتی توسعه و سلیقه‌های شخصی مطرح گردد. بدین منظور مقاله حاضر به تحقیق در باره کشت نیشکر و تولید شکر در مازندران در دوران قاجار اختصاص داده شده است که در آن موضوعاتی چون احداث کارخانه (کارخانجات؟) شکر در مازندران (۱۲۶۷-۱۲۶۸ ه. ق. / ۱۸۵۱-۱۸۵۲ م)، تأثیر این واحد صنعتی در کشاورزی و صنایع روستایی، عواملی که موجب تعطیل کارخانه مذکور و تغییرات در میزان تولید نیشکر مازندران گشت مورد بررسی قرار گرفته است. توضیح این نکته ضروریست که بسیاری از ارقام و آمار موجود در منابع عصر قاجار، اعم از ایرانی و خارجی، از اعتباری در حد تخمین برخوردارند و نباید دقیق پنداشته شوند. اعداد و آمار نوشته حاضر نیز مستثنی نیستند.

در مازندران کشت نیشکر و تولید شکر سابقه ای دیرینه دارد. ابوالحسن علی بن محمد یزدادی (ف. اوائل قرن ۵ ه) "حلوهای گوناگون و ریصارهای حلو" را از جمله تولیدات طبرستان (مازندران) در قرن اول هجری معرفی کرده است.^۱ جغرافیا نویسان قرن ۴ ه نیز به کشت نیشکر

۱- ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، بکوشش عباس اقبال، تهران، ۱۳۲۰، ص ۷۷.

در مازندران اشاره کرده‌اند.^۱ ابن اسفندیار در ذکر محصولات مازندران از "تی‌ها" یاد می‌کند (۶۱۳ هـ).^۲ در میان نویسندگان قرون وسطی مفصل‌ترین گزارش در این باب را خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی (مقت. ۷۱۸ هـ. ق.) از این قرار ثبت کرده است:

"در مازندران نیشکر باشد. اما از آن قند نمی‌شاید پختن، الا شکری سرخ که آن نیز تمام منعقد نگردد و تمام سخت نشود. الا مانند عسلی مقوم هم نرم و سرخ و طعم آن مثال طعم فانیز و شکر باشد. و آن جهت آن است که نیشکر را هوای نمناک بغایت زیان دارد و مازندران را هم هوا و هم زمین بغایت تری و نمناکی است."^۳

زراعت نیشکر که عصاره آن علاوه بر مصرف غذایی، کاربرد دارویی و پزشکی نیز داشت^۴ در مازندران ادامه یافت و کسانی که در سده‌های بعد به منطقه سفر کردند به آن اشاره می‌کنند. به گفته جونس هنوی Jonas Hanway، بازرگان انگلیسی که در سالهای ۱۱۵۶-۱۱۵۸ هـ/ ۱۷۴۳-۱۷۴۵ به کرانه‌های جنوبی دریای مازندران سفر کرد، در شمال ایران نیشکر تنها در مازندران کشت می‌شد.^۵

در نیمه اول قرن ۱۳ هـ/ ۱۹ م زراعت نیشکر در تمام نواحی مازندران معمول نبود و تولید آن تنها در اراضی همواربخش مرکزی ولایت، یعنی از حوالی ساری در شرق تا محمودآباد در غرب، بویژه در منطقه بارفروش (بابل کنونی) رواج داشت.^۶ زمینهایی که به نیشکر اختصاص

۱- ابودلف مسعربن المهلهل الخزرچی، رساله، مجموع فی الجغرافیا، بکوشش فؤاد سزگین، فرانکفورت، ۱۹۸۷، ص ۳۸۲؛ حدود العالم، بکوشش منوچهر ستوده، تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۲/۱۴۵.

۲- ابن اسفندیار، ص ۸۰.

۳- رشیدالدین فضل‌الله همدانی، آثار و احیاء، بکوشش م. ستوده و ا. افشار، تهران، ۱۳۶۸، ص ۱۸۲.

۴- به عنوان نمونه ر.ک. زکریا بن محمد القزوینی، عجائب المخلوقات، قاهره، ۱۹۷۰، ص ۱۷۲.

5- J. Hanway, *An Historical Account of the British Trade over the Caspian Sea*, vol. 1, London, 1753, p. 284.

6- J.B. Fraser, *Travels and Adventures in the Persian Provinces on the Southern*

داده می شد اراضی کم آب بود و کشت آن بصورت دیم صورت می گرفت ("خشکه کاری").^۱ در واقع آن بخش از اراضی که به علت کمبود آب برای شالیکاری مناسب نبود، زیر کشت نیشکر می رفت. از همین رو در منابع ما به روستاهایی که زمینهای آن تنها به نیشکر اختصاص داشته باشد، اشاره ای نرفته است.

اطلاعاتی که راجع به معیشت زارعین نیشکر در نیمه اول قرن ۱۳ ه در دست است حکایت از آن دارد که کشت این گیاه به اندازه کافی سودآور بود. از یکسو اراضی کم آب به آن اختصاص داده می شد و از سوی دیگر محصولی بدست می آمد که در ولایات دیگر تولید نمی شد. از آنجا که مالیات ارضی و مالکانه تابعی از سطح زیر کشت و نوع محصول بود، کشاورز نیشکر وضعیتی متفاوت از تولیدکنندگان سایر محصولات داشت. به گفته کنسول آبت در دوران محمد شاه تولید نیشکر تا سال ۱۲۶۰ ه / ۱۸۴۴ م از پرداخت مالیات معاف بود.^۲ ظاهراً^۳ به دنبال افزایش تولید آن (نک دنباله مقاله) در عصر همین شاه مشمول مالیات گشت و زارعین موظف به دادن $\frac{1}{10}$ شکر

Banks of the Caspian Sea, London, 1826, p. 86; cf W.R. Holmes, *Sketches on the Shores of the Caspian*, London, 1845, pp. 155-57;

به گفته کنسول ک. آبت تا ۱۸۴۴ کشت نیشکر در شرق مازندران معمول نبود، رک.

K.E. Abbott, *Narrative of a Journey from Tabreez along the Shores of the Caspian Sea to Tehran*, FO 60/108, pp. 82, 127

(از این پس از این منبع به اختصار AN یاد خواهد شد).

۱- میرزا ابراهیم، سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان، بکوشش م. گلزاری، تهران، ۱۳۵۵، ص ۱۰۱

F.D. Lafont et H.L. Rabino, "Culture de la Canne a Sucre en Mazandéran," *Revue du Monde Musulman*, 28 (1914), p. 242;

^۲زراعت نیشکر در مازندران، مجله فلاحت و تجارت، ۱ (۱۲۹۹ ش)، ص ۱۰.

2- AN, p. 101.

حاصله به دولت شدند.^۱ احتمالاً از بابت مالکانه نیز همین مقدار شکر، بر حسب خالصه یا خصوصی بودن زمین، به شاه یا مالک خصوصی تعلق می گرفت.^۲ با وجود این شواهدی در دست است که مالکانه مذکور رقمی ثابت نبود و در برخی مناطق به توافق بین مالک و زارع بستگی داشت.^۳ به طور کلی از آنجا که بنابر سیاست دولت مرکزی، بار مالیاتی مازندران نسبتاً سبک بود، کشاورزان مازندران از جمله زارعین نیشکر از لحاظ درآمد وضعی بهتر از روستائیان مناطق همجوار بویژه ولایت ثروتمند ولی تک محصولی گیلان داشتند.^۴

نیشکری که تحت شرایط فوق بدست می آمد در کارگاههای سستی به شکر تبدیل می شد. در مورد این کارگاهها گزارشهایی از سالهای ۱۲۵۹ هـ.ق. / ۱۸۴۴ م،^۵ ۱۲۷۶ هـ.ق. / ۱۸۵۹ م،^۶ ۱۳۳۰ هـ.ق. / ۱۹۱۲ م،^۷ ۱۲۲۹ ش / ۱۹۲۰ م^۸ و ۱۳۰۳ ش / ۱۹۲۴ م^۹ موجود است که مبین آن

1- K.E. Abbott, "Report by Consul Abbott of his Journey to the Coast of the Caspian Sea, 1847- 1848, " in *Cities and Trade*, ed. A. Amanat, Oxford, 1984, p. 14

(از این پس از این منبع به اختصار AR یاد خواهد شد).

2- Ibid.

3- Capt. C.F. Mackenzie, *Narrative of a Journey from Resht in Gilan through Mazandaran to Asterabad during Winter and Spring of 1858/59*, FO 60/245, p. 94 ;

(از این پس از این منبع به اختصار MN یاد خواهد شد)؛ قس میرزا ابراهیم، ص ۹۲.

4- A. Burnes, *Travels into Bokhara*, vol. 2, London, 1834, p. 126; AN, pp. 100-101; MN, p. 75.

5- Holmes, pp. 155-157.

6- MN, p. 50; cf ۱۳۵ ص میرزا ابراهیم.

7- Lafont et Rabino, "Culture de la Canne a Sucre en Mazand ran," pp. 239-242.

۸- زراعت نیشکر در مازندران، ص ۱۱.

9- A.C. Trott, *Consular Tour in Mazandaran during May, June and July 1924*, FO 371/ 10153.

می باشد:

الف) آنها در خارج از شهرها و در نواحی که کشت نیشکر در آنجا معمول بود قرار داشتند و از اینرو از صنایع روستایی محسوب می گردند؛

ب) مهمترین و پیچیده ترین ابزار این کارگاهها وسیله ای چوبین موسوم به کلیا بود که از آن برای استحصال شیره از نی استفاده می شد. این وسیله ابتدایی و ساخت منطقه بود؛

ج) در سراسر دوران مورد بحث، علیرغم ورود برخی از ابزار و ماشینهای جدید به کشور و مازندران، در کلیا و شیوه سنتی تولید شکر هیچگونه نوآوری و تغییری پدید نیامد (شکل).

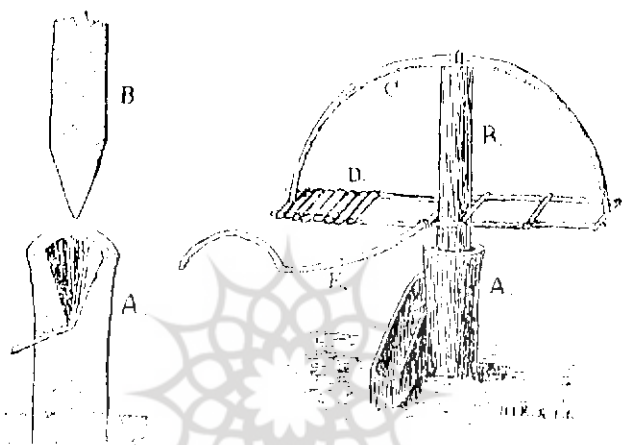
در چنین کارگاهها عصاره نی را پس از استحصال، بدون تصفیه، با حرارت دادن تغلیظ می کردند. حاصل شکری سرخ رنگ و غیر متبلور بود که براساس میزان غلظت، شکل آن از مایعی غلیظ تا خمیری قابل برش تغییر می کرد. با توجه به اظهارات سابق الذکر خواجه رشید الدین فضل الله می توان دریافت که از قرون وسطی تا قرن بیستم هیچ تحولی در شیوه تولید شکر پدید نیامده بود. اما همین شکر تصفیه نشده و غیرمتبلور در آغاز قرن ۱۳ هـ / ۱۹ میلادی بازار خود را داشت، و به گفته سر ویلیام اوزلی Sir W. Ouseley، دیپلمات متبّع بریتانیایی که در ۱۲۲۷ هـ. ق. / ۱۸۱۲ به مازندران سفر کرد، از حسن شهرت برخوردار بود.^۱

از اواخر قرن ۱۲ هـ / ۱۸ م تدریجا^۲ عواملی چند توجه اروپائیان را به نیشکر مازندران و امکان افزایش تولید آن جلب کرد. از آن جمله بود تقاضای بازار ایران برای شکر در حالیکه این فرآورده در کشور تولید نمی شد. مضافاً اینکه با وجود چنین بازار، کشت نیشکر در غرب رود سند غیر متداول و به مازندران، خوزستان و جنوب بین النهرین محدود می شد که در این میان محصول مازندران اهمیت بیشتری داشت. زیرا با استفاده از تسهیلاتی که دریای مازندران برای تجارت با روسیه فراهم می آورد، شکر مازندران می توانست دو بازار ایران و روسیه را تغذیه

1- Sir W. Ouseley, *Travels in various countries of the East more particularly Persia*,

vol. 3, London, 1823, p. 221.

نماید، حال آنکه شکر تولیدی خوزستان مجبور به رقابت با شکر هندوستان بود که به سهولت از طریق راه آبی دریای عمان و خلیج فارس به ایران وارد می شد. ج. فورستر G. Forster در ۱۱۹۷ هـ. ق. / ۱۷۸۳ م پس از ذکر کوشش ناموفق یکی از سرمایه داران روس برای احداث کارخانه تصفیه و تولید شکر در مازندران در آغاز ظهور قاجاریه می افزاید که روسها در صورت پیشرفت صنعتی قادر بودند که شکر خام را از مازندران تهیه و در خاک روسیه تصفیه نمایند.^۱



این امر از دید ج. ب. اولیویه G.B. Olivier فرانسوی نیز که در ۱۱۸۳ هـ / ۱۷۹۶ م از ایران دیدن کرد، مخفی نمانده است. در سفرنامه او می خوانیم ایرانیان "نیشکر را در مازندران به عمل می آورند و از آن شکر استخراج می کنند، اما هنوز علم تصفیه آن را ندارند. شکری که به دست می آورند سرخ رنگ است و این فقره ها یک روزی معمول [مأمول؟] است که در ایران اهمیت گیرد..... دولت روس به سبب منافع خود، ایران را در آموختن تصفیه آن بسیار تحریص می کند و

1- G. Forster, *A Journey from Bengal to England*, vol. 2, London, 1808, pp. 243-244;

Fraser, *Travels*, p. 371

برای واردات شکر هندوستان به ایران تا ۱۳۳۵ هـ تک

در زراعت آن ترغیبها. " ۱ ظاهراً افزایش کمی و کیفی شکر مازندران تحت الشعاع جنگهای طولانی ایران و روسیه قرار گرفت و اشتغال دو کشور به مخاصمه مانع از توجه به این فرآورده مهم شد.

نخستین اقدام جدی دولت ایران برای تولید شکر در کشور به دوران محمدشاه و صدارت حاجی میرزا آقاسی باز می‌گردد. در ۱۲۵۲ ه. ق. / ۱۸۳۷ دولت ایران در یک آگهی رسماً نیاز و آمادگی خود را برای استخدام متخصص تصفیه شکر اعلام نمود. در این آگهی که در اولین شماره نخستین روزنامه ایران به چاپ رسید، می‌خوانیم "الحال یک نفر استاد شکر ریز ضرورست که شکر مازندران را تصفیه کند و نیز یک نفر استاد نیل پز که در کارخانه نیل پزی شوشر نیل بریده بسازد و بهر یک بعد از انجام خدمات، وظیفه مرحمت می‌شود" (عشر آخر رمضان ۱۲۵۲ ه).^۲ به شهادت منابع موجود آگهی مزبور بی‌پاسخ ماند و دولت در اجرای نیت خود توفیق حاصل نکرد. با این وصف طرح تولید شکر با شکست کامل نیز مواجه نشد، زیرا در دوران صدارت حاجی میرزا آقاسی، در نتیجه سیاست دولت،^۳ سطح زیر کشت و تولید محصولات کشاورزی از جمله نیشکر در مازندران افزایش یافت. به دلالت کنسول ک.ا. آبت از آغاز سلطنت محمد شاه تعداد روستاهای مازندران با رشد ۱۴/۵٪ از ۶۱۰ روستا در ۱۲۵۰ ه. ق. به ۸۳۰ روستا در ۱۲۵۹ ه. ق. افزایش یافته بود و دولت برای تشویق سرمایه‌گذاران و توسعه کشاورزی ۱۲۰ روستای جدید الاحداث را برای چند سال از مالیات معاف کرده بود.^۴ در این زمان از مازندران مقادیری

۱- ب، اولیویه، سفرنامه، ترجمه محمد طاهر میرزا، بکوشش غ. وره‌رام، تهران، ۱۳۷۱، ص ۱۸۷.

۲- این روزنامه اسم نداشت و قبل از کاغذ اخبار منتشر می‌شد. شماره‌های اول و دوم (بتاریخ عشر آخر شهر شوال ۱۲۵۲ ه. ق.) آن بضمیمه مکاتبه زیر موجود است:

McNeill to Backhouse, 15 Feb. 1837, FO 60/48.

۳- برای کوششهای حاج میرزا آقاسی برای توسعه کشاورزی، رک. هما ناطق، ایران در راه‌یابی فرهنگی، لندن، ۱۹۸۸، صص ۲۶-۲۷.

شکر سرخ به تهران، استرآباد، گیلان و روسیه صادر می شد.^۱ به گفته هولمز در روسیه این شکر وارداتی را تصفیه می کردند و حاصل آن مطلوب بود (۱۲۵۹ ه.ق.).^۲ روند توسعه بخش کشاورزی در بقیه دوران صدارت حاجی میرزا آقاسی نیز ادامه یافت و تا ۱۲۶۴ ه.ق./۱۸۴۸ م تعداد روستاهای مازندران به رقمی حدود ۱۰۰۰۰ بالغ گردید (۱۷% رشد).^۳ این رقم خود نشانه افزایش تولیدات کشاورزی بویژه نیشکر و سایر محصولات است که از طریق زراعت دیم بدست می آمد. زیرا در روستاهای جدید الاحداث شالیکاری مستلزم سرمایه گزاری بیشتر و زمان برای تدارک آب و کانالهای آبیاری بود، در حالیکه "خشکه کاری" یا زراعت دیمی با هزینه کمتر زودتر به بار می نشست. به هر حال چون نوع کالاهای صادراتی مازندران تغییر نکرده بود، همانند گذشته شکر سرخ به روسیه، گیلان، استرآباد و تهران صادر می گشت (۱۲۶۳ ه.ق.).^۴ بدین ترتیب چنین می نماید که در دوران محمد شاه و صدارت حاجی میرزا آقاسی، علیرغم شکست طرح تصفیه شکر، تولید شکر سرخ مازندران افزایش یافت که این به معنی تقویت کارگاههای سنتی تولید شکر سرخ نیز می باشد.

در واپسین سال سلطنت محمد شاه مازندران دستخوش بحرانی گشت که طلیعه آن رکود اقتصادی و سرپیچی قدرتهای محلی از دولت مرکزی بود. آنگاه در آغاز سلطنت ناصرالدین شاه (۱۲۶۴ ه.ق.) شورش بابیه، که در آغاز خوانین نافرمان برای کسب امتیاز از دولت مرکزی مشوق آن بودند، در مازندران رخ داد.^۵ واقعه اخیر نه تنها شرایط حاکم را پیچیده تر کرد بلکه توجه دولت به وضع زارعین نیشکر را ضروری نمود.

1- AN, pp. 196-200, 208.

2- Holmes, p. 156.

3- AR, p. 18.

4- Ibid, p. 11.

۵. بسیاری از آنچه راجع به شورش بابیه در مازندران نوشته شده است قابل اعتماد نیست. برای پژوهشی جدید در مورد علل، روند و نتایج واقعه مذکور ر.ک.

در مورد جنبه اقتصادی بحران، که به بحث حاضر مربوط است، جدول (I) به اندازه کافی گویاست که در دوران گسترش اراضی زیرکشت، تجارت مازندران متناسب و هماهنگ با ازدیاد تولیدات کشاورزی رشد نکرده بود.^۱ یکی از علل عمده این ناهماهنگی سیاست دولت روسیه بود که پس از اشتغال جزیره آشوراده (۱۲۵۸ ق.هـ / ۱۸۴۲ م)، برای نفوذ در جنوب و شرق ایران و نیز در آسیای مرکزی، با عزمی راسخ برای گسترش بازرگانی با بندر گز در استرآباد می کوشید و در این راه موفقیت‌هایی هم کسب کرده بود.^۲

جدول I

تخمین گسترش اراضی کشاورزی و صادرات مازندران به روسیه

سال	تعداد روستاها	صادرات (قران)
۱۲۵۰ (۱۸۴۴)	۶۱۰	
۱۲۵۱-۵۲ (۱۸۴۵-۴۶)		۲۹۰۰۰۰ (£ ۱۴۵۰۰)
۱۲۵۸-۵۹ (۱۸۴۲-۴۳)	۸۳۰	۱۰۴۰۰۰۰ (£ ۵۰۰۰۰)
۱۲۶۳-۶۴ (۱۸۴۷-۴۸)	۱۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰ (£ ۵۰۰۰۰)

منابع: نخستین روزنامه دولت ایران (بی نام)، ش ۳، اخبار وقایع شهر ذیقعد ۱۲۵۲ هـ به ضمیمه

McNeill to Backhouse, 30 March 1837, FO 60/48; AN, pp. 96, 166; AR, pp. 14, 16-18.

گفتنی است که برخی از صادرات استرآباد به روسیه محصولات کشاورزی بود که در مازندران نیز تولید می شد (برنج، پنبه، و غیره). از اینرو ۱۲۶۳ هـ این باور عمومیت داشت که

۱- ارقام مذکور در جدول I شامل ارزش کل صادرات مازندران اعم از تولیدات محلی و تولیدات مناطق مختلف داخل کشور به روسیه می باشد.

2- Shcil to Aberdeen, 26 Sept. 1845, FO 60/115; same to same, 10 March 1846, FO 60/121;

Farrant to Palmerston, Enc., 18 Jan. 1848, FO 60/136.

تجارت روسیه با بندرگز موجب کاهش مبادلات خارجی مازندران و بارفروش شده بود.^۱ این ناهماهنگی بین افزایش سطح زیر کشت و صادرات آثار سوء خود را در قیمت تولیدات کشاورزی باقی می گذاشت. در شرایط موجود کاهش چشمگیر بهای محصولی سبک، حجیم و فاسد شدنی چون نیشکر که حفظ و عرضه تدریجی آن امکان نداشت، اجتناب ناپذیر بود. از اینرو در اوایل ۱۲۶۳ ه. ق. در بارفروش هر رطل شکر سرخ مازندران به قیمت یک رطل شکر خام (تغلیظ نشده) در ۱۲۵۹ ه. ق. به فروش می رسید.^۲ به ظن قریب به تعیین این قیمت در ماههای آتی نه تنها بهبود نیافت بلکه مشمول کاهش بیشتر شد. زیرا شیوع وبا در سرزمینهای ساحلی و بنا در روسیه در دریای مازندران و انتشار آن در مسیرهای تجاری داخلی روسیه در ۶۴-۱۲۶۳ ه. ق. ۴۸-۱۸۴۷ م می توانست کاهش مبادلات تجاری بین مازندران و روسیه را تشدید و بر وخامت اوضاع اقتصادی مازندران بیافزاید.^۳

در بحران ناشی از نافرمانی خوانین محلی از دولت مرکزی و فرصت طلبی سران باییه، ناهماهنگی بین افزایش و صادرات تولیدات کشاورزی و بویژه کاهش بهای شکر سرخ پیامدهای اجتماعی - سیاسی خود را داشت. از اینرو برخلاف اظهاراتی چون نقش افزایش تجارت خارجی در ظهور باییه،^۴ ماهیت و پایگاه شهری بایگیری^۵ و یا مشارکت یکسان طبقات مختلف اعم از

1- AR, p. 11.

2- AR, pp. 26-27; cf AN, Appendix no. 7.

3- J.N. Radcliffe, the recent Diffusion of Cholera in Europe, Enc. in Simon to the President of the Local Government Board, 8 June 1872, FO 60/ 345.

۴- افزایش واردات اجناس خارجی که با گرفتن بازار تولیدات داخلی منجر به تعطیل کارگاههای سنتی شد از جمله محورهایی است که به عنوان دلیل ظهور و استقبال از ماهیگیری مورد تأکید نویسندگان غربی قرار گرفته است، به عنوان بهترین نمونه ر.ک.

V. Minorsky, "Review of M.S. Ivanov's The Babi Rising in Iran in 1848- 1852," *BSOAS*, xi(1943- 46), p. 879.

5- A. Amanat, *Resurrection and Renewal: The Making of the Babi Movement in*

شهری و روستایی در این حرکت،^۱ شورش بایه در مازندران - که به قولی خالص ترین و اعتقادی ترین تحرکات این فرقه جدیدالتأسیس بود^۲ - مورد استقبال شهرنشینان، طبقه متوسط و تجار محلی قرار نگرفت. تنها گروهی از کشاورزان بودند که به بایه ملحق شدند. در منابع رسمی و بیطرف از روستائیان ناحیه سوادکوه مازندران به عنوان کسانی یاد می شود که از بایگیری استقبال کردند.^۳ به گفته حاجی میرزاجانی در قلعه شیخ طبرسی در ناحیه علی آباد (قائم شهر کنونی) "قریب بیک صد و بیست نفر از اهل مازندران که تصدیق [باب] کرده بودند و بزرگ ایشان آقا رسول بهنمیری بود" در جنگ علیه قوای دولتی نقش مهمی داشتند.^۴ منابع فرقه ای همچنین دلالت می کنند که در قلعه مزبور تعداد اهالی بهنمیر بیش از سایر بومیان بایی بود.^۵ گفتنی است که بلوک بهنمیر (شمال شرق بارفروش) و بلوک علی آباد (شرق بارفروش) مناطقی بودند که کشت نیشکر در آنها رایج و محصول شکر آنها حسن شهرت داشت. ضمناً بهنمیر متعلق به بخش

Iran, 1844- 1850, Ithaca, 1989, p. 359; M.R. Afshari, "The Pishivaran and Merchants in Precapitalist Iranian Society: an essay on the background and causes of the Constitutional Revolution," *International Journal of Middle East Studies*, 15(1983), p. 145.

1- M.Momen, "The Social Basis of the Babi Upheavals in Iran (1848- 53): A Preliminary Analy," *International Journal of Middle East Studies*, 15(1983), pp. 157-183.

2- D.M. MacEoin, "Babism," *Encyclopedia Iranica*, vol. III, London, 1989, p.316.

۳- رضاقلی خان هدایت، روضة الصفا، ج ۱۰، تهران، ۱۳۳۹، ص ۴۲۹؛ میرزا ابراهیم، ص ۱۲۷؛ و نیز نک MN, pp. 69- 71. مشارکت روستائیان مازندران مورد تأیید منابع فرقه ای نیز می باشد. ر.ک.

حاجی میرزا جانی، نقطة الکاف، بکوشش ابراون، لیدن، ۱۹۱۰، ص ۱۸۳؛ میرزا حسین همدانی، تاریخ جدید، بکوشش ا. ابراون، کمبریج، ۱۸۹۲، ص ۷۸.

۴- حاجی میرزا جانی، صص ۱۶۷ و ۱۹۱؛ همدانی، ص ۶۷.

۵- به عنوان مثال نک میرزا اسدالله فاضل مازندرانی، ظهور الحق، ج ۳، قاهره، بی تا، ص ۱۲۴ (زیرنویس)؛ همچنین ر.ک. Momen, "The Social Basis of the Babi Upheavals," pp. 163 (Table 3).

خصوصی بود.^۱ در مورد سوادکوه نیز تذکر این نکته ضروریست که از آغاز سده ۱۳ ه.ق. / ۱۹ م تولید پارچه موسوم به چوخوا در آنجا رایج بود.^۲

به دنبال سرکوبی بایه و اعاده نظم (۱۲۶۵ ه.ق. / ۱۸۴۹ م) دولت مرکزی به صادرات امیرکبیر اقداماتی جهت بهبود اوضاع اقتصادی مازندران به عمل آورد، از جمله اختصاص چوخوای مازندران به لباس قشون ایران^۳ و نیز کوشش برای تولید شکر تصفیه شده در مازندران. مورد اخیر ضمن تأمین قسمتی از نیاز رو به افزایش کشور، می توانست موجب تحریک بخش کشاورزی و بهبود معیشت زارعین نیشکر گردد. بدین منظور دستور فراهم آوردن موجبات آموزش فن تصفیه شکر به اهالی به مهدیقلی میرزا حاکم مازندران صادر شد. ظاهراً فقدان استادکار بومی مانع اجرای این فکر گشت. ولی با اعزام استاد عبدالحمید قناد از پایتخت و تجربه موفق او، برای نخستین بار شکر مازندران تصفیه و متبلور گردید. در باب موفقیت استاد عبدالحمید در روزنامه رسمی وقت آمده است:

"درین هفته بقدر سی من شکر آنجا [مازندران] را که سفید کرده بود، آوردند. مانند شکر هندوستان است و از هر قسم حلویات ازو ساختند و بسیار خوب شده بود، و آن بهتر از شکر جزایر یونکی دنیا که هندالغربی می نامند هست، و حکم شد که باز هم درست نمایند (ربیع الثانی ۱۲۶۷ ه.)"^۴

بنابراین گزارشها توجه دولت به تولید شکر در بخش کشاورزی مازندران تا آنجا حسن اثر بخشید که عرضه نیشکر بیش از نیاز کارگاه استاد عبدالحمید بود و تأسیس کارخانه های دیگر

۱- AR, pp. 26-27 (remarks); (تذکر: نام Kear Kela باید به "کیاکلا" تصحیح شود

MN, p. 67;

میرزا ابراهیم، صص ۱۰۱ و ۱۲۲ (توجه: "بهمنی" باید به "بهمنیر" تصحیح شود).

2- Ouseley, *Travels*, vol. 3, p. 241; AR, p. 24.

۳- وقایع اتفاقیه، ش ۲، ۱۱ ربیع الثانی ۱۲۶۷.

۴- همان، ش ۱، ۵ ربیع الثانی ۱۲۶۷.

ضرورت داشت (۱۲۶۸ هـ).^۱ بزودی کارخانه دیگری در ساری بناگردید که از شعبان ۱۲۶۸ هـ ق. کار خود را آغاز کرد.^۲

هم زمان با این اقدامات حاجی میرزا محمد تاجر تبریزی، سرپرست صنعتگران ایرانی که برای فراگیری رشته های مختلف صنایع جدید از جمله شکرریزی به روسیه اعزام شده بودند (۱۲۶۷ هـ.ق.)، مأمور احداث کارخانه شکر دیگری در مازندران گشت و محمودخان قراگوزلو (ناصر الملک) مصلحت گزار دولت ایران در سنت پترسبورگ نیز موظف شد که مشاین و ابزار لازمه برای این کارخانه را از روسیه تهیه و ارسال کند.^۳ حاجی میرزا محمد با همکاری حاجی زین العابدین کارخانه جدید را در بارفروش، شهری تجاری در قلب منطقه تولیدکننده نیشکر، تأسیس کرد (۱۲۶۹ هـ.ق.). این واحد صنعتی چنین توصیف شده است:

"کارخانه اش زیاد بزرگ است. [دارای] گرمخانه و سردخانه و چاه ناسوس با سایر چرخ و اسباب و دیگهای بزرگ و غیره می باشد. چرخ و اسباب آب چغندرگیری هم دارد که قند درست می شود. لیکن الان [۱۲۷۴ هـ.ق.] از آب چغندر، قند ساختن را بنا نگذاشته اند تا بعد چه شود و استخوان حیوانات را سوزانیده شکر صاف می نمایند."^۴

بنابر روزنامه رسمی وقت در ۱۲۶۹ هـ.ق. ماهانه هزارمن شکر سفید از مازندران به تهران حمل می شد و در آنجا بفروش می رسید.^۵ بدین ترتیب طرح تأسیس کارخانه شکر بدون مواجهه با هیچ مانعی اجراگردید و با توجه به تولید ماده اولیه - نیشکر - در مازندران، علی الظاهر مشکلی برای ادامه کار این واحد صنعتی وجود نداشت. مضافاً اینکه چون ماشین آلات ضروری برای

۱- همان، ش ۴۹، ۱۶ ربیع الاول ۱۲۶۸.

۲- همان، ش ۷۵، ۲۰ رمضان ۱۲۶۸.

۳- همان، ش ۱۷۸، ۳ شوال ۱۲۷۰؛ میرزا ابراهیم، ص ۱۱۸.

۴- میرزا ابراهیم، ص ۱۱۹؛ قس 65 - MN,p؛ برای تاریخ اتمام بنای کارخانه، نک. وقایع اتفاقیه، ش ۹۵، ۱۳ صفر

۱۲۶۹ و ش ۱۷۸، ۳ شوال ۱۲۷۰.

۵- وقایع اتفاقیه، ش ۱۱۰، ۲۹ جمادی الاول ۱۲۶۹.

تهیه شکر از چغندر قند هم از قبل پیش بینی و نصب شده بود، کارخانه بارفروش می توانست در کنار بهبود بخشیدن به وضع زارعین نیشکر، موجبات ترویج کشت چغندر قند را نیز فراهم آورد و در نتیجه بازده سرمایه‌گذاری به عمل آمده را افزایش دهد.

تأسیس کارخانه‌های مذکور در بخش کشاورزی حسن اثر بخشید و موجب افزایش سطح زیر کشت نیشکر در مازندران شد. کاپتین مکنزی، اولین کنسول بریتانیا در ولایات ساحلی دریای مازندران، و میرزا ابراهیم رشتی بلوکهای متعددی را نام برده‌اند که در آنها نیشکر کاشته می‌شد (۷۵- ۱۲۷۴ ه. ق.)^۱ ظاهراً بازار خوب نیشکر موجب گردید که تلاش ناموفقی هم برای تولید آن در شرق مازندران بعمل آید.^۲ روزنامه و تواریخ رسمی عصر ناصری نیز از تداوم کشت نیشکر و فعالیت کارخانه‌های شکر در دهه ۱۲۷۰ ه. ق. خبر می‌دهند.^۳ به گفته اعتمادالسلطنه تولید شکر تصفیه شده "در حکومت نواب مصطفی قلی میرزا [۷۱-۱۲۶۷ ه. ق.] بسیار پیش رفت که هر ماه چند هزار من شکر سفید بسیار ممتاز فقط در خانه خلافت فرود می‌آمد."^۴ در ۱۲۷۴ ه. ق. روزنامه وقایع اتفاقیه در مورد کارخانه بارفروش گزارش کرد:

"در باب انتظام کارخانه شکرریزی از جانب نواب کامیاب والاتبار لطف الله میرزا حکمران مازندران و مقرب الخاقان محمد حسن خان وزیر کمال مراقبت و اهتمام بعمل می‌آید و حاجی یعقوب مباشر کارخانه مزبور را آنچه مایحتاج و لوازم کارخانه که اتفاق می‌افتد بمحض اظهار تدارک و انجام داده بهیچوجه او را معطل نمی‌گذارند و کارخانه مزبور خوب دایر شده و عمله جات آنجا همیشه در کارند."^۵

1- MN, pp. 50, 55, 67-69. 94;

میرزا ابراهیم، صص ۱۰۰-۱۰۲، ۱۰۱، ۱۱۳، ۱۲۱، ۱۲۲-۱۲۵.

2- MN, p.98.

۳. به عنوان مثال نک. اعتماد السلطنه، مرآة البلدان، ج ۲، به کوشش ع. نوائی و س. ه. محدث، تهران، ۱۳۶۷، ص ۱۲۴۹.

۴. اعتماد السلطنه، المآثر و الآثار، به کوشش ا. افشر، تهران، ۱۳۶۳، ص ۱۴۰.

۵. وقایع اتفاقیه، ش ۳۴۸، ۱۲ صفر ۱۲۷۴ قس همان، ش ۳۰۷، ۱۹ ربیع الثانی ۱۲۷۳.

علیرغم این گونه گزارشها، شواهدی در دست است که فعالیت هر دو کارخانه شکر از بدو تأسیس با مشکلاتی روبرو گردید. به عنوان مثال نه تنها در منابع رسمی دیگر ذکری از کارخانه ساری به میان نمی آید بلکه ایجاد چنین واحد صنعتی توسط سفرنامه نویسان دهه ۱۲۷۰ ه.ق. تأیید نمی شود. احتمالاً "کارخانه ساری همان کارگاه استاد عبدالحمید سابق الذکر بود که منابع رسمی در مورد آن مبالغه کرده بودند. در غیر این صورت می توان حدس زد که کمبود شکر ریز، مواد اولیه (نک. دنباله مقاله) و یا ناتوانی در رقابت با کارخانه بارفروش مانع ادامه کار آن شده باشد.

کارخانه شکر بارفروش هم سرنوشتی بهتر از کارخانه ساری پیدا نکرد. توضیح این که مدیریت کارخانه بارفروش در آغاز با محمودخان قراگوزلو، دیپلمات سابق الذکر، بود که در محل حضور نداشت. وی شخصی بنام حاجی یعقوبعلی را که احتمالاً از تجار شهر بود، به نیابت از خود سرپرست کارخانه کرد.^۱ آنگاه یک چند حاجی یعقوبعلی و ملک التجار کارخانه را از دولت اجاره و به شراکت بهره برداری می کردند. سپس حاجی یعقوبعلی به تنهایی خواستار تمدید اجاره آن به مدت ۵ سال شد (۱۲۷۸ ه.ق. / ۱۸۶۱ م).^۲ بدین ترتیب کارخانه‌ای که با ثروت ملی تأسیس شده بود به دست بخش خصوصی افتاد که معمولاً این گونه فرصتها را از طریق روابط تحصیل می کردند.

در خلال این مدت تغییر مدیریت کارخانه و سودجویی اجاره داران در دفع نیروی کارآمد آن واحد صنعتی بی تأثیر نبود. به گفته ملگونف (۱۲۷۷ ه.ق.) به علت عدم پرداخت مواجب، استاد شکر ریز دست از کار کشیده و منطقه را ترک کرده بود.^۳ ۱۲۷۵ ه.ق. تولید کارخانه تحت

1- MN, p. 65.

۲. گزارش اعتضادالسلطنه به ناصر الدینشاه در باره کارخانه قند بتاریخ جمادی الثانی ۱۲۷۸ ه.ق.، یکصد سند تاریخی، بکوشش ا. صفائی، تهران، ۱۳۵۲، صص ۹۹-۱۰۰.

۳. گ. و. ملگونف، سفرنامه ملگونف به سواحل جنوبی دریای خزر، بکوشش م. گلزاری، تهران، ۱۳۶۴، ص ۱۳۵.

نظارت استاد عباس اصفهانی قرار داشت. قرار بود متخصصی از روسیه با حقوق سالانه ۱۰۰۰ تومان جانشین او شود و این در حالی بود که در سال قبل کارخانه تنها ۳۰۰ تومان سود داشت. به گفته کنسول مکنزی بعید به نظر می‌رسید که استخدام این متخصص فرنگی که گویا دائم الخمر بود، بتواند در بهبود اوضاع کارخانه مفید واقع شود.^۱

در مورد بازده این واحد صنعتی گفتنی است که هیچگاه از تمام ظرفیت آن استفاده نشد. با وجود نصب ماشین آلات لازم، کارخانه به جای تولید مستقیم شکر از نی، شکر سرخ کارگاههای سستی را به شکر سفید تبدیل می‌کرد. به گفته استاد عباس اصفهانی اگر کارخانه با نیشکر تغذیه می‌شد، می‌توانست از هر ۱۰ من شکر خامی که در خود کارخانه از نی بدست می‌آمد، ۵ من شکر تصفیه شده تولید کند. اما چون مواد اولیه آن شکری بود که با کیفیت نازل در کارگاههای سستی تهیه می‌گشت، از اینرو از ۲۰ من شکر سرخ تحویلی بیش از ۵ من شکر تصفیه شده به دست نمی‌آمد.^۲ ظاهراً علت تغذیه کارخانه با شکر سرخ را باید در عدم توسعه راهها و حمل و نقل جستجو کرد. زیرا انتقال محصول سبک، ارزان ولی حجیم نیشکر از مزارع به کارخانه غیر اقتصادی بود و تأخیر در حمل آنی نیز مشکل نگاهداری و ضایعات ناشی از فساد یا خشک شدن نی‌ها را در پی داشت. از اینرو اقتصادی آن بود که عصاره آنها را پس از تغلیظ در کارگاههای سستی به کارخانه تحویل دهند. پرواضح است که نتیجه این شرایط تداوم و ازدیاد فعالیت کارگاههای مزبور و به زیان کارخانه بود. از سوی دیگر ناآشنایی روستائیان مازندران با کشت چغندر قند و شیوه استحصال و تغلیظ عصاره آن^۳ موجب گردید که در کارخانه بارفروش بخش تولید قند از چغندر

۱- MN, p. 65; cf ۱۱۹-۱۱۸ صص میرزا ابرهیم،

۲- میرزا ابرهیم، ص ۱۱۹، ملگونف، ص ۱۱۲، MN, p. 65.

۳- بذر چغندر قند برای اولین بار توسط ی. ا. پولاک، پزشک ناصرالدینشاه، به ایران آورده شد و در اعلانی در روزنامه وقایع اتفاقیه (ش ۳۷۴، ۱۶ شعبان ۱۲۷۴ ه.ق.) شیوه کاشت آن تشریح گردید. پولاک بذر چغندر را مجانی در اختیار علاقمندان قرار می‌داد.

برای همیشه بلا استفاده بماند.^۱

طرح تولید شکر در مازندران گرچه تلاشی برای توسعه صنعتی - کشاورزی بود و در آغاز موفقیت نسبی حاصل کرد، بزودی عواملی پیش بینی نشده موجب گردید که نتایج نامطلوب بیار آورد. توضیح اینکه در زمان تأسیس کارخانه های شکرریزی ساری و بارفروش، با فروکش کردن بیماری وبا در روسیه (۱۲۶۴ ه.ق.) بازرگانی مازندران با آن کشور رو به بهبود گذاشته بود. رونالد تامسون، وابسته نمایندگی سیاسی بریتانیا در تهران، در گزارش سفر خود به استرآباد (۱۲۶۶ ه.ق. / ۱۸۵۰ م)، ضمن اشاره به افزایش تجارت خارجی مازندران، تصریح می کند که این ولایت در ۱۲۶۵ ه.ق. مقادیر زیادی شکر سرخ به روسیه صادر کرده بود.^۲ اما به دنبال این تغییر شرایط اقتصادی، بیماری وبا در مازندران شایع و خسارات جانی و مالی فراوان بیار آورد (۱۲۶۹-۷۰ ه.ق.).^۳ در این باره کلنل شیل، وزیر مختار بریتانیا در تهران، از قول میرزا آقا خان نوری صدر اعظم، به لندن گزارش داد که در مازندران روستائیان برای حفظ خود از وبا، بدون برداشت محصولات رسیده و آماده درو، از دهات بخش هموار ولایت گریخته و روستاها

۱- گفتنی است سالها بعد، در تلاشی دیگر برای تولید قند از چغندر، کارخانه ای بوسیله یک شرکت بلژیکی در کهریزک تأسیس شد. (۱۳۱۳ ه.ق.). این کارخانه نیز توفیقی حاصل نکرد و تعطیل شد (۱۳۱۷ ه.ق.). برای اطلاع بیشتر ر.ک. عبدالحسین خان سپهر، *مرآة الوقایع مظفری*، بکوشش ع. نوائی، تهران، ۱۳۶۸، صص ۱۲۴، ۱۹۲، م.ع. جمالزاده، گنج شایگان، برلین، ۱۳۳۵ ه.ق.، ص ۹۴، ح. محبوی اردکانی، *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*، ج ۳، بکوشش ک. اصفهانیان و ج. قاجاریه، تهران، ۱۳۶۸، صص ۳۴۱ به بعد.

2- Report by R. Thomson on his Journey to Asterabad, Enc. in Sheil to Palmerston, 17 June 1850, FO 60/152.

۳. وقایع اتفاقیه، شماره های ۱۲۷ (۲۹ رمضان) و ۱۳۶ (۴ ذیحجه) سال ۱۲۶۹ و نیز شماره های ۱۴۲ (۱۶ محرم)، ۱۴۸ (۲۹ صفر)، ۱۵۸ (۱۱ جمادی الاول)، ۱۶۲ (۹ جمادی الثانی) سال ۱۲۷۰ ه.ق. و نیز اعتماد السلطنه، *تاریخ مستظم ناصری*، ج ۳، بکوشش م. ا. رضوانی، تهران، ۱۳۶۷، ص ۱۷۴۱.

Thomson to Clarendon, 15 Oct. 1853, FO 60/181.

خالی از سکنه شده بود (رمضان ۱۲۶۹ ه.ق.).^۱ بدین ترتیب می توان دریافت که در این سالهای وبایی تولید نیشکر همانند سایر محصولات کشاورزی کاهش داشت در حالیکه در همان زمان تقاضا برای شکر سرخ هم در خود ولایت - به علت احداث کارخانه ها - و هم در روسیه افزایش یافته بود. نتیجه منفی این کمبود مواد اولیه را می توان در کاهش تولید کارخانه ها یافت. روزنامه وقایع اتفاقیه که در ۱۲۶۹ ه.ق. از حمل ماهانه هزار من شکر تصفیه شده از مازندران به تهران حیر داده بود،^۲ در سال بعد گزارش کرد "در هذه السنه بقدر سه چهار هزار من شکر در کارخانهای دولتی بلده سازی و بارفروش سفید شده و بمصرف رسیده است."^۳

در شرایط موجود دولت که از سویی کارخانه بارفروش را در اختیار بخش خصوصی نالایق گذاشته بود و از سوی دیگر بر ادامه فعالیت آن اصرار داشت، صدور شکر سرخ را ممنوع^۴ و اقدام به تثبیت قیمت و فروش اجباری آن به کارخانه کرد تا ضمن قابل رقابت کردن قیمت شکر تولیدی با شکر وارداتی، سود اجاره دار، مال الاجاره سالانه دولت و ادامه کار واحد صنعتی را حکم نماید. حاصل این اقدام افزایش و چند نرخی شدن بهای شکر سرخ بود. در ۱۲۷۵ ه.ق. زارعین مجبور بودند شکر سرخ خود را از قرار هر ۲۰ من شاه به ۵ تومان به کارخانه بارفروش تسویل دهند در حالیکه در همان زمان در مشهد سر (بابلسرکنه نی)، بندری که از طریق آن شکر سرخ به روسیه و گیلان صادر می شد، همان مقدار به قیمت ۷/۱ تومان بفروش می رسید.^۵ متقابلاً زارعین هم شکری با کیفیت نازل به کارخانه می دادند که کاهش کبونی و کمی تولید و استهلاک ادوات را در پی داشت از همین روجه جای شکر وقتند، "سکنجین" و "حلوا" بخشی از

1- Sheil to Clarendon, 21 June. 1853, FO 60/180.

۲- وقایع اتفاقیه، ش ۱۱۰، ۱۱۱، جمادی الاول ۱۲۶۹.

۳- همان، ش ۱۷۵، ۱۱، رمضان ۱۲۷۰.

4- MN, pp. 50.

۵- میرزا ابراهیم، صص ۱۱۳، ۱۱۹، به گفته مکنزی بهای شکر سرخ در مشهد سر ۶ تومان بود، نک، MN, pp. 60.

تولید کارخانه شکر بارفروش را تشکیل می داد (۱۲۷۵ ه.ق.).^۱ تأثیر سوء سیاست حمایتی دولت را مکنزی اینگونه تشریح می کنند:

"چند سال پیش بیست من شاه از بهترین نوع شکر سرخ در مازندران فقط ۱۵ قران یعنی کمتر از ۱ قیمت فعلی بها داشت. اما از زمان تأسیس کارخانه تصفیه شکر در تحت توجهات دولت ایران و در پی آن اجباری کردن فروش شکر سرخ به کارخانه، کشت نیشکر کاهش یافته و قیمت آن بالا رفته است. این هم حاصل اقدام این دولت برای عمران."^۲

سیاست حمایتی تالی فاسد دیگر نیز داشت. برای مأمورین فاسد فرصت جدیدی را برای سوء استفاده فراهم می آورد. اینان با بهره گرفتن از قانون فروش اجباری شکر سرخ، اقدام به ضبط محصولات، وضع مالیات و عوارض ویژه این فرآورده می کردند که نتیجه آن کاهش بیشتر کشت نیشکر بود.^۳ نتیجه مخرب اینگونه اقدامات در وضع کشاورزان و کشت نیشکر تا آنجا ملموس و واضح بود که در آثار دوران قاجاریه به عنوان نمونه بارز سوء مدیریت، بی قانونی و علت زوال اقتصادی و عقب افتادگی کشور منعکس شده است، اعتمادالسلطنه آورده است "امیر [کبیر] کارخانه قندریزی و چینی سازی بنا کرد و در عهد او بطور خوبی کار می کردند، استاد عبدالحمید نامی نوعی شکر مازندران را تصفیه کرد که مثل شکر هندوستان بود، ولی این اوقات باز متروک داشتند."^۴ دیگری می نویسد "... زراعت ما رونقی ندارد. در آغاز سلطنت ناصرالدینشاه زراعت نیشکر در مازندران رواج گرفت. اما بعد بواسطه ظلم حکومتی از میان رفت، کارخانه شکرریزی خراب شد و رعیت از تعدی مأمورین ریشه نی را در آورده منهدم کردند."^۵ مخبر السلطنه متذکر می شود "همان گونه که اجرای قوانین اسباب ترقی می شود عدم امنیت مایه خرابی خواهد شد،

1- MN, p.60.

2- MN, p. 50.

۳- ی.ا. پولاک، ایران و ایرانیان، ترجمه ک. جهاننداری، تهران، ۱۳۶۱، ص ۳۷۰

۴- اعتمادالسلطنه، صدر التواریخ، بکوشش م. مشیری، تهران، ۱۳۴۹، ص ۲۲۶.

۵- رساله سیاست مدن به نقل از ف. آدمیت و ه. ناطق، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده

دوران قاجار، تهران، ۱۳۵۶، ص ۲۶۰.

مثل اینکه نیشکر مازندران را بدون ادای قیمت و اجرت و کرایه می‌بردند و یک قران از هر باری و قَلْق می‌گرفتند، زراعت نیشکر متروک شد.^۱

در سالهایی که از سطح زیر کشت نیشکر کاسته می‌شد، سوء مدیریت و سودجویی اجاره داران خصوصی کارخانه، عدم استفاده از نیروی کارآمد و بی‌ترجهی به حفظ سرمایه ملی تدریجاً نتایج مخرب خود را آشکار کرد. یک دهه پس از تأسیس کارخانه شکر بارفروش، علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه وزیر علوم در گزارشی به ناصرالدینشاه نوشت "کارخانه خرابی بهم رسانیده و اسباب آن معیوب شده است" و اینکه حاجی یعقوبعلی ضمن تقاضای تمدید اجاره، از شاه درخواست کرده بود "اجاره سال اول را از بابت بنائی کارخانه و تعمیر به او مرحمت شود" (۱۲۷۸ ه.ق. / ۱۸۶۱ م).^۲ ظاهراً کارخانه به هر ترتیب که بود چند سال دیگر هم به تولید ادامه داد، زیرا ناصرالدینشاه در سفرنامه اش به مازندران به آن اشاره کرده است (۱۲۸۲ ه.ق.).^۳ ولی سفرنامه نویسه‌های بعد از او، گرچه کشت محدود نیشکر در ناحیه بارفروش را گزارش می‌کنند؛ از کارخانه ذکری به میان نمی‌آورند.^۴ حتی شخصی ناصرالدینشاه هم در شرح سفر دوم خود به بارفروش (۱۲۹۲ ه.ق. / ۱۸۷۵ م) از آن واحد صنعتی یادی نکرده است.^۵ بدین ترتیب می‌توان حدس زد که مدت فعالیت کارخانه به دو دهه نرسیده و پس از برجا گذاشتن آثار منفی در

۱- م. مخبرالسلطنه هدایت، خاطرات و خطرات، تهران، ۱۳۲۹، ص ۱۱۰.

۲- گزارش اعتضادالسلطنه، یکصد سند تاریخی، صص ۹۹-۱۰۰.

۳- اعتماد السلطنه، مرآة البلدان، ج ۱، ص ۲۶۲.

۴- به عنوان مثال نک

V. Baker, *Clouds in the East*, London, 1876, p. 122 (زمان سفر ۱۸۷۳); G.C. Napier, *Journals and Reports*, London, 1876, p. 96 (زمان سفر ۱۸۷۴).

۵- گفتنی است که شاه در این سفرنامه به یکی از کارگاههای صنعتی تولید شکر سرخ در ناحیه علی آباد اشاره می‌کند ولی سرنوشت کارخانه بارفروش را مسکوت می‌گذارد. نک. ناصرالدین شاه قاجار، روزنامه سفر مازندران، تهران، ۱۳۹۴

ق، صص ۲۲۲ به بعد.

کشاورزی خود نیز تعطیل گشت.

علیرغم بسته شدن کارخانه، کشت نیشکر در مازندران رونق گذشته را بازیافت. زیرا دولت نه کارخانه را با مدیریتی جدید نوگشایی کرد و نه درصدد تشویق کشت نیشکر برآمد. تنها در ۱۳۰۶ ق.هـ / ۱۸۸۹ م هنگامیکه طرح بلند پروازانه حاج امین الضرب برای احداث راه آهن محمودآباد - آمل با موانع مختلف مواجه شد، ایده احداث یک کارخانه شکر در محمودآباد برای افزایش سوددهی طرح مطرح گشت، اما هیچگاه از یک ایده فراتر نرفت و به تبع شکست طرح راه آهن، آن هم به دست فراموشی سپرده شد.^۱

گذشته از آنچه یاد شد عوامل داخلی و خارجی دیگری نیز وجود داشت که مانع افزایش مجدد تولید نیشکر در مازندران می‌گشت. در پی شیوع بیماری کرم ابریشم در گیلان (۱۲۸۱ ق.هـ / ۱۸۶۴-۶۵ م) که برای سالیان متمادی لطمات اقتصادی سنگین به روستائیان آن ولایت، صادرات و خزانة کشور وارد کرد، فشار و تنگدستی موجب گردید که روستائیان گیلانی به جای پرورش کرم ابریشم به کشت محصولات دیگر از جمله نیشکر روی آورند.^۲ کنسول ویلیام آبت در گزارش تجارت گیلان در ۱۲۸۸ ق.هـ / ۱۸۷۱ تصریح می‌کند که بازده کشت موفقیت آمیز نیشکر در آن ولایت ۱۷۰۰۰ من شکر سرخ بود و دیگر گیلان به واردات این کالا از مازندران نیاز نداشت.^۳ بدین ترتیب شکر مازندران یک بازار

1- G.N. Curzon, *Persia and the Persian Question*, vol.1, London, 1892, pp. 382, 619- 620.

2- G.G . Gilber, "Persian. Agrical ture in the Late Qagar Period, 1860- 1906: some Economic and Social Aspects, " *Asian and African Studies*, 12 (1978), pp. 346 ff.

A. Seyf, "Silk Production and Trade in Iran in the Nineteenth Century," *Iranian Studies*, XVI(1983), pp. 51- 71;

ح. تاج بخش، "ابریشم ایران"، فرهنگ، ۲۱-۲۰ (۱۳۷۶)، صص ۲۴۰- به بعد.

3- W.Abbott, Report on the Trade and Commerce of Gilan for the year 1871, Enc. in Abbott to Thomson, 8 July 1872, FO 248/ 280.

ستی خود را از دست داد.^۱

در دورانی که کشت نیشکر و تولید شکر در مازندران با مانع مواجه بود، در روسیه صنعت و تولید قند از چغندر - که بر خلاف نیشکر، زراعتش در آن کشور میسر بود - سیری تکاملی را طی می کرد. برای شکر سرخ مازندران نتیجه رشد صنایع قند روسیه به کاهش صادرات و از دست رفتن بازاری دیگر محدود نمی شد.^۲ زیرا در نیمه دوم سده ۱۳ هـ / ۱۹ م، با گسترش روابط بازرگانی ایران و روسیه و سیاست حمایتی سنت پترزبورگ، تولیدات صنعتی آن کشور از جمله قند تدریجاً در شمال ایران نفوذ می کرد. دولت روسیه با وضع قوانین ترانزیت به زیان قند و شکر تولیدی سایر دول، اعطای معافیت گمرکی برای قند صادراتی روسیه و تشویق مالی صادرکنندگان آن، این فرصت را فراهم آورد که قند و شکر روسی با پیشی گرفتن بر شکر فرانسوی، بازارهای شمال ایران از جمله مازندران را به انحصار خود درآورد (۱۳۰۰ - ۱۳۲۰ ه.ق.).^۳ در آغاز قرن بیستم مازندران یکی از مجاری ورود و بازارهای مصرف قند و شکر روسیه بود (جدول II). بدین ترتیب قند روسیه عرصه را در خود ولایت بر شکر سرخ و زارعین نیشکر تنگ کرد.

۱- برای واردات شکر مازندران به گیلان در دهه ۱۲۷۰ ه.ر.ک.

Mackenzie, Report on the Province of Gilan, Dec. 12 th, 1858, FO 60/235; idem, Report on Gilan, April 13th 1860, Appendix no.1, FO 60/ 249.

۲- به عنوان نمونه صدور شکر سرخ مازندران به روسیه از ۲۱۶۲ پود (۲۵۲۸۹ kg) در ۱۸۹۱ م به ۹۴۸ پود (۱۵۴۵۲kg) در ۱۸۹۲ م کاهش یافت، نک.

M.L. Tomara , "Ekonomichescloe Polozhenie Persii," in C. Issawi ed. *The Economic History of Iran, 1800- 1914* , Chicago, 1971, p. 251.

3- H. Churchill, the Sugar Trade in Northern Persia, Enc. in Churchill to Lascelles, 10 Dec. 1892, FO 248/ 549; H. W. Maclean, Conditions and Prospects of British Trade in Persia, 1903, p. 28, FO 60/ 689; M.L. Entner, *Russo- Persian Commercial Relations, 1828- 1914*, Gainesville, 1965, pp. 23, 67-68.

جدول II

واردات قند و شکر روسی به مازندران

سال	واردات (قران)
۱۳۲۴-۲۵ (۱۹۰۶ - ۰۷)	۹۹۲۸۷۰۰
۱۳۲۵-۲۶ (۱۹۰۷ - ۰۸)	۷۴۵۲۶۵۰
۱۳۲۶-۲۷ (۱۹۰۸ - ۰۹)	۸۰۵۴۹۵۰
۱۳۲۷-۲۸ (۱۹۰۹ - ۱۰)	۱۰۷۷۱۴۰۰
۱۳۲۸-۲۹ (۱۹۱۰ - ۱۱)	۹۸۰۲۵۰۰
۱۳۳۰-۳۱ (۱۹۱۲ - ۱۳)	۸۹۸۳۹۶۸
۱۳۳۶-۳۷ (۱۹۱۸ - ۱۹)	۴۶۴۷۷۰
۱۳۴۱-۴۲ (۱۹۲۲ - ۲۳)	۳۰۰۰۰۰۰
۱۳۴۲-۴۳ (۱۹۲۳ - ۲۴)	۲۹۸۴۶۶۷

منابع:

Rabino, Report from March 21st 1907 to March 20th 1909 on the Trade of the Persian Caspian Provinces, FO 248/ 907; idem, Report from March 21st, 1909 to March 20th, 1911 on the Trade of the Persian Caspian Provinces, Annual Series no. 4828; Fortescue, Military Report; Trott, Report on Gilan, Mazandaran and Asterabad, 1924, FO E11163/ 11163/ 34; idem, Consular Tour.

کاهش تقاضا برای شکر سرخ با تنزل جایگاه نیشکر و کارگاههای تولید شکر در اقتصاد محلی و کاهش درآمد زارعین نیشکر همراه بود. از آنجا که از واپسین دهه قرن ۱۳ هکشاوریستی مازندران، به تبعیت از جریان حاکم بر کشاورزی کشور، تجاری شدن (commercialization of agriculture) را تجربه می کرد و به بازار فروش خارجی چشم دوخته بود، نیشکرکاران نیز برای جبران کاهش درآمد و بر اساس نوع زمین خود به تولید محصولات (cash crops) در مقوله "خشکه کاری" یا زراعت دیم روی آوردند که در روسیه خریدار داشت. در صدر این محصولات

باید پنبه را نام برد.^۱ پرواضحتست که در چنین شرایط کاهش کارگاههای سستی تولید شکر نیز امری اجتناب ناپذیر بود.

در مقابل تمام این تنگناها عواملی هم وجود داشت که مانع از منسوخ شدن کشت نیشکر می‌گشت. از سویی در طی سده های متعادی عصاره و شکر سرخ آن در اغذیه و شریجات محلی جایگاهی خاص پیدا کرده بود و به گفته کنسول رابینو روستائیان مازندران را نانخورش بود (۱۳۲۷ ه.ق.)،^۲ از سوی دیگر مشابه خارجی اش وارد نمی شد. همین امر موجب تداوم کشت نیشکر و رواج بالقوه آن در منطقه بود. از اینرو در سالهای آغازین قرن بیستم، جنگ روسیه و ژاپن (۲۳-۱۳۲۲ ه.ق. / ۰۵-۱۹۰۴ م) افزایش چشمگیر قیمت قند را در ایران در پی آورد،^۳ زمینه برای افزایش مصرف و تولید شکر سرخ مهیا گردید. بویژه اینکه با تحریم کالاهای روسی در دوران نهضت مشروطیت (۱۳۲۹ ه/ ۱۹۱۱ م)،^۴ واردات قند و شکر روسی

۱- در نتیجه تجاری شدن کشاورزی صادرات پنبه مازندران به روسیه از ۱۲۲۵/۸ تن در ۱۲۸۲ ه به حدود ۷۸۵۷/۲۹۲ تن در ۱۳۳۲ ه افزایش یافت. نک.

H. Ongley, Commercial Report on the Trade of Gilan for the Year 1866, FO 248/239; Capt E. S. Fortescue, Military Report on Tehran and some Provinces of North- West Persia, 1920, FO 248/ 1300.

2- H.L. Rabino, Report from March 21st 1907 to March 26th 1909 on the Trade of the Persian Caspian Provinces, FO 248/ 970;

قس زراعت نیشکر در مازندران، ص ۱۲.

۳- به عنوان مثال نک. حسینقلی آقا، مغایره نمرة ۱۴، مورخ ۲۱ آپریل ۱۹۰۴ در FO 248/859؛ برای تبعات سیاسی افزایش قیمت قند ر.ک. ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ پیداری ایرانیان، بخش اول، بکوشش ع.ا. سعیدی سیرجانی، تهران، ۱۳۵۷، صص ۲۳۱ به بعد. ی. دولت آبادی، حیات یحیی، ج ۲، تهران، ۱۳۲۸، صص ۱۰ به بعد.

۴- برای بخشی از اسناد این تحریم نک اسنادی در باره هجوم انگلیس و روس به ایران، بکوشش م. ترکمان، تهران، ۱۳۷۰، صص ۱۳۶ به بعد؛ قس بارکلی به گری، نمرة ۲۱۳، ۳ دسامبر ۱۹۱۱؛ همو به همان، نمرة ۲۶۹، ۱۷ دسامبر ۱۹۱۱،

کتاب آبی، بکوشش ا. بشیری، تهران، ۱۳۶۵، صص ۱۲۴۸ و ۱۴۳۰.

به کشور^۱ مازندران، تقلیل یافت (جدول II). چنین می‌نماید که این شرایط موجب از یاد تولد، نیشکر و شکر سرخ شده باشد، زیرا منابع ما، پس از چند دهه سکوت، مجدداً به صدور این فرآورده از مازندران به گیلان، استرآباد، تهران و به مقدار کم به روسیه در همین دوره اشاره می‌کنند.^۲ با این وجود سالهای ۳۹-۱۳۳۲ ه.ق. / ۲۱-۱۹۱۴ م را باید عصر رونق کشت نیشکر محسوب داشت. توضیح اینکه در سالهای جنگ جهانی اول (۳۶-۱۳۳۲ ه.ق.) و دوران انقلاب روسیه و تثبیت نظام لشیویکم، بازرگانی ایران- روسیه دچار افت چشمگیر شد و از ۶۵۷۰۰۰۰۰ تومان در ۳۲-۱۳۳۱ ه.ق. / ۱۴-۱۹۱۳ م به ۲۶۹۰۰۰۰۰ تومان در ۳۷-۱۳۳۶ ه.ق. / ۱۸-۱۹۱۷ م کاهش یافت و در ۳۹-۱۳۳۸ ه.ق. / ۲۱-۱۹۲۰ م به حداقل خود یعنی ۲۸۰۰۰۰۰ تومان رسید.^۳ در همین دوران قند و شکر وارداتی به مازندران نیز کاهش داشت (جدول II). در سالهای جنگ به علت افزایش بهای تولیدات صنعتی در جهان از یکسو و از سوی دیگر تقلیل واردات، قیمت قند روسی در ایران به سرعت افزایش یافت. بنا بر گزارشهای حسینقلی آقا، وکیل الدوله بریتانیا در استرآباد، بهای هر من تبریز آن از ۹/۷ قران در ۳۲-۱۳۳۲ ه.ق. / ۱۹۱۴ م به ۲۰/۲ قران در ۳۴-۱۳۳۴ ه.ق. / ۱۹۱۶ م و سپس به ۹/۴۳ قران در ۳۸-۱۳۳۸ ه.ق. / ۱۹۱۷ م بالغ گردید.^۴ حاصل این شرایط افزایش تقاضا برای شکر سرخ و ترقی قیمت آن بود. بنا بر گزارش اداره فلاح و تجارت مازندران، در سالهای مذکور بهای هر من شکر سرخ از ۶-۴ قران به ۲

1- Entner, p. 68.

2- Rabino, Report from March 21st: 1907 to ...; Lafont, et Rabino, "Culture de la Canne a sucre," p. 242.

3- A.S. Sven. uski, "Transport Routes in Persia", *Journal of the Central Asian Society*, 15 (1928), p. 208.

۴. حسینقلی آقا، مخابره نمره ۲۵ (۱۷ سپتامبر ۱۹۱۴) و نمره ۱۱ (۳ می ۱۹۱۶) و نمره ۱۸ (۲۸ جولای ۱۹۱۷) در

مجازرات ۱- ترآباد، بکوشش ا. افشار و م. ر. دریابشت، تهران، ۱۲۶۳، صص ۴۱۵، ۴۹۲، ۵۵۰.

تومان افزایش یافت.^۱ از آنجا که در دوران جنگ و انقلاب بلشویکی با کاهش و سپس توقف صادرات به روسیه، و در نتیجه افت چشمگیر بهای تولیدات کشاورزی صادراتی، مازندران دچار بحران اقتصادی شده بود که شدت آن از سایر مناطق بیشتر بود، روستائیان ولایت در عسرت و تنگدستی بسر می بردند.^۲ همین شرایط جدید اقتصادی موجب اقبال کشاورزان به کشت نیشکر گردید. در این باب کاپتین فورسکیو، افسر اطلاعاتی بریتانیا، چنین گزارش کرد:

"پیش از ۱۹۱۴ تولید شکر در مازندران در حال کاهش بود، اما اخیراً" بواسطه توقف واردات قند از روسیه و افزایش شدید قیمت آن، سطح زیر کشت نیشکر توسعه زیادی یافته است. زراعت آن در نزدیکی کوهپایه ها و عمدتاً" در حوالی ساری و بارفروش، به عنوان مثال در بلوک بابل کنار، متداول می باشد (۱۳۳۸ هـ / ۱۹۲۰ م)."^۳

بدین ترتیب در تنگناهای ناشی از بحران اقتصادی، کشت نیشکر و تولید شکر سرخ مفری برای روستائیان شد.

به هر حال این رونق شکر سرخ ناپایدار بود. با انعقاد قرارداد ۱۹۲۱ / ۱۳۳۹ هـ.ق. ایران - شوروی و تجدید روابط تجاری با روسیه، واردات قند و شکر به کشور و مازندران از سر گرفته شد (جدول II) که این کاهش قیمت قند وارداتی را در پی آورد. به گفته حسینقلی آقا دوماه پس از آغاز روابط تجاری با شوروی، هر من قند روسی ۶/۲۵ قران بها داشت (شعبان ۱۳۳۹ هـ.ق. / آپریل ۱۹۲۱ م).^۴ با این تحول بازار شکر سرخ شکست و قیمت آن مجدداً" روبه کاهش نهاد. در ۱۳۴۲ هـ.ق. / ۱۹۲۴ م کنسول ترات ضمن توصیف یک کارگاه سستی تولید شکر سرخ در آلمیده، تصریح می کند که تولیدات آن تنها مصرف محلی داشت و از قرار هر من ۳ - ۵/۴ قران، یعنی به

۱- زراعت نیشکر در مازندران، ص ۱۲.

2- A.C. Millsbaugh, Fourth Quarterly Report of the Administrator General of the Finances of Persia, Mizan 1, 1302/ sept. 24/ 1923, pp. 105-106.

3- Fortescue, Military Report

۴. حسینقلی آقا، مخابره نمره ۱۱ (۲۸ آپریل ۱۹۲۱). مخابرات استرآباد، ص ۷۵۸.

بهایی کمتر از سالهای پیش از جنگ،^۱ به فروش می رسید. مضافاً این گزارش حاکیست که در ناحیه مزبور به جای مزارع، محوطه خانه ها به کشت نیشکر اختصاص داشت. این خود مبین کاهش تولید نیشکر و شکر سرخ می باشد. بدین ترتیب بی ثباتی مخربی که در نتیجه توسعه نامتوازن و ناهماهنگ بخشهای کشاورزی، صنعت و تجارت از نیمه اول قرن ۱۳ هـ دامگیر تولید شکر مازندران شده بود، تا واپسین سال حکومت قاجاریه ادامه یافت.

نتیجه

در دوران قاجاریه کشت نیشکر و تولید شکر در مازندران در حالی دستخوش فراز و نشیب کمی و کیفی چشمگیر شد که مصرف قند و شکر در کشور، فارغ از هرگونه نشیب، سیری صعودی را طی می کرد و همه سال مبالغی هنگفت برای واردات روزافزون این کالا از مملکت خارج می گشت. گرچه رواج تولیدات صنعتی غرب و سیاست قدرتهای بزرگ در تضعیف بخشی از صنایع سنتی و عدم توسعه صنعتی کشور نقش داشت،^۲ اما بی ثباتی و عدم توسعه ای که دامگیر تولید نیشکر و شکر مازندران گردید بیش از هر چیز از عوامل داخلی بویژه بهره نگرستن از فرصت بدست آمده برای ایجاد توازن و هماهنگی در رشد بخشهای کشاورزی، صنعت و تجارت نشأت می گرفت.

تا ۱۲۶۴ هـ در حالیکه بازار داخلی متقاضی قند و شکر تصفیه شده و متبلور بود، در مازندران علیرغم افزایش کشت نیشکر، به علت عدم وجود نیروی متخصص بومی، شکر به شیوه قرون وسطایی، تصفیه نشده و غیر متبلور تولید می شد. از اینرو این بخش مولد برای فروش چشمی به

۱- قبل از جنگ جهانی، در ناحیه مذکور هر من شکر سرخ ۵-۲ قران قیمت داشت، نک.

Lafont et Rabino, "Culture de la canne a Sucre," p.242.

۲- به عنوان مثال کارشکنی روسیه در مورد کارخانه قند کهریزک که به تعطیل آن انجامید (۱۳۱۷ هـ.ق.)، ر.ک.

محبوبی اردکانی، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید، ج ۲، صص ۳۴۱ به بعد.

بازار خارجی داشت. به همین دلیل هنگامیکه رشد صادرات نامتوازن و ناهماهنگ با ازدیاد تولید شکر تصفیه نشده گردید، مشکلاتی را برای نیشکرکاران و دولت مرکزی در پی آورد که دامنه آن از محدوده اقتصاد محلی فراتر رفت ۶۵-۱۲۶۴ ق. ه.

در آغاز عصر ناصری، در زمانی که هنوز صنایع قند روسیه توسعه نیافته بود، دولت ایران در اقدامی موفقیت آمیز به ایجاد توازن بین تولید نیشکر در مازندران و نیاز بازار داخلی همت گمارد و دو کارخانه تصفیه شکر در ساری و بارفروش بر پا کرد. اما عواملی چند که اهم آنها سوء مدیریت کارخانه و فساد مأمورین دولتی بود، موجب کاهش تولید نیشکر، تخریب و تعطیل کارخانه ها گردید. ضمناً سیاست دولت مبنی بر اجازه دادن کارخانه نوین شکر بارفروش با هر انگیزه که بود،^۱ از مسئولیت دولت چیزی نکاست و سرانجام مجبور شد که خود برای حمایت از کارخانه وارد عمل شود. شاید اعمال نظارت و کنترل مستأجر خصوصی می توانست ضایعات ناشی از سوء مدیریت را کاهش دهد، ولی این نظارت نیز تنها از طریق مأمورینی میسر می گشت که بی لیاقتی و فساد آنها در نظارت بر تحویل شکر سرخ به کارخانه موجب کاهش تولید نیشکر شده بود. بدین ترتیب فرصت ذیقیمت موجود از دست رفت و کارخانه بدون انتقال فن تصفیه شکر به بومیان تعطیل شد. از همین رو تولید شکر تصفیه نشده در مازندران بدون هیچ تحولی ادامه یافت، در حالیکه از یکسو با توسعه صنایع قند در روسیه و نیز رواج کشت نیشکر در گیلان بازار شکر سرخ مازندران محدودتر و از سوی دیگر با گسترش تجارت خارجی نیاز بازار داخلی به قند و شکر متبلور از راه واردات فزاینده تأمین می شد. حاصل توسعه نامتوازن صنعت و تجارت، کاهش بیشتر کشت نیشکر بود. گرچه در دو دهه آغازین قرن بیستم تولید نیشکر و شکر سرخ در مازندران افزایش داشت، ولی این تغییر نه از بهبود کیفیت فرآورده که از کمبود قند ناشی از شرایط موقت سیاسی- اقتصادی در ایران و جهان سرچشمه می گرفت. از آنجا که در همین دوران نیز اقدامی جهت توسعه صنعت قند و شکر در مازندران به عمل نیامد، با تغییر شرایط و

۱- انگیزه دولت می توانست توسعه و سودآوری بیشتر، ممانعت از دولتی شدن امور و حتی اسقاط تکلیف باشد.

آغاز واردات قند و شکر از شوروی، یکبار دیگر تولید شکر سرخ و کشت نیشکر کاهش یافت. رشد نامتوازن و ناهماهنگ کشت نیشکر، شیوه تولید شکر و تجارت با بازتابهای اجتماعی - سیاسی نیز همراه بود. دیدیم که افزایش تولید نیشکر و کاهش بازار شکر سرخ موجب مشارکت نیشکرکاران در شورش بایه گردید (۶۵-۱۲۶۴ هـ). گرچه کاهش تقاضا برای شکر سرخ در دهه‌های بعد نیز ادامه داشت، ولی تجاری شدن کشاورزی با جذب نیشکرکاران به تولید محصولات صادراتی دیگر، مانع از تجدید تحرک سیاسی آنان گشت.^۱ از آغاز جنگ جهانی اول، یعنی دورانی که به علت کاهش تجارت خارجی و افت بهای محصولات کشاورزی صادراتی، روستائیان مازندران با سختی معیشت مواجه شده بودند، رونق بازار شکر سرخ مرهمی بر آلام آنان گردید.

در خاتمه می‌ماند این پرسش که از چه روستاها پیش از معرفی بذر چغندر قند به کشور و آگاهی از بازده کشت آن در مازندران،^۲ ابزار و وسائل تولید قند از چغندر در کارخانه بارفروش نصب شده بود؟ آیا آینده نگری و میل به توسعه موجب تدارک آن ماشین آلات گشت یا اینکه ماشین آلات متکامل را بدون توجه به نیاز مملکت و کاربردشان وارد کرده بودند؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- این بدان مفهوم نیست که پس از تجاری شدن کشاورزی شورشیهای روستایی در مازندران به وقوع نپیوست، برعکس از زمان تجاری شدن کشاورزی تحرکات روستائیان افزایش یافت ولی این ناآرامی‌ها در ارتباط با اموری جز نیشکر و شکر سرخ بود.

Persian: A Sociolinguistic analysis. **Language in society**, 17:565-75.

13- Levinson, S.C. (1989). **Pragmatics**. Cambridge: Cambridge University Press.

14- Lyons, J. (1977). **Semantics**. London: Cambridge University Press.

15- Montgomery, M. (1993). **An introduction to language and society**. London: Routledge.

16- Muhlhauser, P. and R. Harre (1990). **Pronouns and people**. Oxford: Basil Blackwell.

17- Murphy, G.L. (1988). Personal reference in English. **Language in Society**, 17:317- 49.

18- Ostor, A. (1982). Terms of address and Hungarian society. **Language Sciences** 4(1): 55-69.

19- Oyetade, S.O. (1995). A Sociolinguistic analysis of address forms in Yoruba. **Language In Society** 24, 4: 515- 535.

20- Parkinson, D.B. (1982). Terms of address in Egyptian Arabic. Ph.D. Dissertation. University of Michigan.

21- Paulston, C.B. (1976). Pronouns of address in Swedish : Social class semantics and a changing system. **Language In Society**, 5: 359-86.

22- Philipsen, G. and M. Huspeck (1985). A bibliography of sociolinguistic studies of personal address. **Anthropological Linguistics** 27 (1): 94-101.

23- Trudgill, P. (1983). **Sociolinguistics: An introduction to language and society**. Harmondsworth, England: penguin Books.

24- Wardhaugh, R. (1993). **An introduction to sociolinguistics (2nd ed.)**.Oxford: Basil Blackwell.